



مشخصات لایحه

دوره هشتم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۴۷

شماره چاپ:

۸۲۵

تاریخ چاپ:

۱۳۸۸/۶/۱۷

نام دفاتر:

مطالعات حقوقی

مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۹۹۰۵

تاریخ انتشار:

۱۳۸۸/۷/۲۱

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران

و جمهوری اسلامی افغانستان»

مقدمه

لایحه مزبور در اصل با هدف ایجاد تسهیلات بیشتر برای محکومین به مجازات‌های سالب آزادی که تمایل به گذراندن مدت محکومیت خود در کشور متبوع خویش دارند بوده و این روش در حال تبدیل شدن به یک رویه بین‌المللی در راستای تأمین بیشتر حقوق انسان‌ها می‌باشد که در ضمن به استقرار روشمند همکاری‌های قضایی بین دولت‌ها و زمینه‌سازی برای گسترش مناسبات بین آنها کمک می‌کند.

تأثیرات

با توجه به اینکه بسیاری از محبوسین زندان‌های جمهوری اسلامی اتباع کشور افغانستان بوده و هزینه مادی و معنوی بالایی را بر کشورمان تحمیل می‌نمایند، لذا تصویب لایحه فوق می‌تواند گامی برای کاهش تعداد آنان و در نتیجه کاهش هزینه‌های مربوطه باشد، بنابراین اثر مثبت دربر دارد.

بررسی مواد لایحه

بند «د» ماده (۳) - این بند واجد ابهام است، چراکه استفاده از لفظ «یا» پس از رضایت محکوم، چنین به ذهن متبادر می‌نماید که حتی در صورت عدم رضایت وی، در صورت درخواست انتقال از سوی اقارب یا نماینده قانونی یا یکی از متعاهدین امکان انتقال وی وجود دارد و بندهای «۱» و «۲» ماده (۸) نیز رافع این ابهام نیست چراکه می‌توان استدلال نمود که ماده (۸) تنها ناظر به زمانی است که دلیل ارائه درخواست رضایت محکوم باشد و شامل مواردی که اقارب یا نماینده قانونی یا دولت طرف دیگر با توجه به شرایطی جسمانی یا روانی محکوم درخواست داده‌اند، نمی‌شود. این در حالی است که فلسفه این موافقتنامه کمک به حال محکوم در صورت رضایت کامل وی می‌باشد.

جزء (ب) بند «۱» ماده (۱۲) - استفاده از لفظ «آیین اجرایی» در مورد تبدیل حکم که یک امر قضایی است مخالف اصول سی‌وششم (۳۶) و پنجاه‌وهفتم (۵۷) قانون اساسی به نظر می‌رسد.

بند «۴» ماده (۶) و بند «۱» ماده (۸) - بجای جزء (د) بند «۱» ماده (۳) اشتبهاً جزء (الف) آمده است که باید تصحیح شود.

بند «۴» ماده (۱۲) - این بند به نوعی به دولت اجراکننده حکم اجازه ادامه اجرای حکم صادره توسط کشور صادرکننده حکم را داده است که با تکلیف دولت در تبدیل مجازات، مذکور در جزء (ب) بند «۱» همین ماده، در تضاد است.

بند «۵» ماده (۱۲) - این بند نیز به نوعی تکرار جزء (ب) بند «۱» همین ماده است که در واقع ادامه جزء (۴) می‌باشد که اولاً نباید در بندی جداگانه ذکر می‌شد. ثانیاً به دلیل زائد بودن بند «۴» لزومی به ذکر آن نخواهد بود.

ماده (۱۳)

طبق رویه بین‌المللی، «عفو و بخشودگی و تخفیف» تنها پس از تحمل مدت مشخصی از مدت زمان حبس امکان‌پذیر است که ظاهراً نظر تهیه‌کنندگان لایحه نیز همین بوده است، چراکه جزء (ب) بند «۶» ماده (۱۲) امکان تبدیل مجازات سالب آزادی به مجازات مالی را نداده است. پس وقتی اجازه تبدیل مجازات سالب آزادی به مجازات سبک‌تر داده نشده است چطور ممکن است ابتدائاً اجازه تخفیف و حتی عفو و بخشودگی داده شده باشد.

پیشنهادات

۱. در بند «۴» ماده (۶) و بند «۱» ماده (۸)، بجای جزء (الف)، جزء (د) قید گردد.
۲. در جزء (د) بند «۱» ماده (۳) پس از عبارت «اقارب یا نماینده قانونی وی یا یکی از طرفین متعاقد» عبارت «به نیابت از وی» اضافه شود.
۳. عبارت «یا اجرایی» از جزء (ب) بند «۱» ماده (۱۲) حذف شود.
۴. بندهای «۴» و «۵» ماده (۱۲) حذف شود.
۵. در ماده (۱۳)، برای برخورداری محکوم از عفو و بخشودگی و تخفیف مجازات، سپری شدن میزان معینی از مدت محکومیت (مثلاً نصف مدت) در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

فارغ از ایرادات قابل رفع که در بالا به آنها اشاره گردید، اصل تصویب لایحه اقدامی مثبت بوده و تصویب آن توصیه می‌گردد و بدیهی است ایجاد تغییرات پیشنهادی، مستلزم طی مجدد فرآیند مذاکره توسط دولت می‌باشد.